



روز یکشنبه ۱۹ سپتامبر، رئیس جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ، فرمانی اجرایی با عنوان «محدودیت در ورود برخی کارگران غیر مهاجر» امضا کرد؛ اقدامی که بلافاصله موجی از واکنش های سیاسی و اقتصادی را برانگیخت. بر اساس این دستور، مهاجرانی که با ویزای B-H۱ برای اشتغال تخصصی قصد ورود به آمریکا را دارند، تنها در صورتی مجاز به ورود خواهند بود که کارفرمای آن‌ها مبلغ ۱۰۰ هزار دلار بپردازد یا وزیر امنیت داخلی برایشان معافیت ویژه صادر کند. طبق اعلام سخنگوی کاخ سفید، این قانون صرفاً برای ویزای جدید اعمال می‌شود و دارندگان فعلی این نوع ویزا یا افرادی که در پی تمدید آن هستند، مشمول آن نخواهند شد. هزینه جدید ویزای کار، ۱۰۰ هزار دلار، حدود دو برابر میانگین حقوق سالانه دارندگان جدید B-H۱ و بیش از ۸۰ درصد میانگین حقوق سالانه کل دارندگان این ویزا محسوب می‌شود. این دستور به‌سرعت باعث سردرگمی میان متقاضیان، نگرانی شرکت‌های فناوری و حتی بازگشت شماری از مهاجران از کشورهای مختلف شد. شرکت‌های بزرگ فناوری از جمله گوگل، مایکروسافت و آمازون که بخش عمده‌ای از نیروی کار متخصص خود را از طریق ویزای B-H۱ جذب می‌کنند، این اقدام را تهدیدی جدی برای نوآوری و رقابت جهانی اقتصاد آمریکا دانستند.

دستور تازه ترامپ بازار کار فناوری را نشانه گرفت
از زمان ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه، سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده وارد مرحله‌ای تازه از سخت‌گیری شده است. تازه‌ترین اقدام او، بازطراحی برنامه ویزای B-H۱ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تلاش‌های دولت برای تغییر قوانین مربوط به ویزاهای کاری موقت، توجهات گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. مقامات دولت آمریکای می‌گویند این تصمیم باهدف حمایت از نیروی کار داخلی اتخاذشده، اما تحلیلگران معتقدند چنین سیاستی در تضاد آشکار با مواضع پیشین ترامپ قرار دارد؛ چراکه او پیش‌تر از این برنامه حمایت کرده و آن را ابزاری برای تقویت اقتصاد دانش‌بنیان معرفی کرده بود. ویزای B-H۱ نوعی ویزای غیرمهاجرتی است که به کارفرمایان آمریکایی اجازه می‌دهد نیروهای متخصص خارجی را در حوزه‌هایی چون فناوری اطلاعات، مهندسی، علوم مالی و بهداشت به‌طور موقت استخدام کنند. شرط اصلی دریافت این ویزا داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن است. این ویزا معمولاً برای سه سال صادر می‌شود و تا شش سال قابل تمدید است. ترامپ در خلال تصویب این قانون، برخی کارفرمایان را متهم کرد که با استفاده از این قانون، دستمزدها را عمداً پایین نگه می‌دارند و در نتیجه، به تضعیف جایگاه کارگران آمریکایی منجر می‌شوند. به گفته او، این روند به ضرر بازار کار داخلی تمام می‌شود و فرصت‌های شغلی برای شهروندان ایالات متحده را کاهش می‌دهد.

بر اساس داده‌های رسمی که شمار کارگران خارجی در حوزه‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM) بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ بیش از دو برابر شده و به حدود ۲٫۵ میلیون نفر رسیده است، این در حالی است که رشد اشتغال کلی در همین حوزه‌ها طی این دوره تنها ۴۴/۵ درصد بوده است. کارشناسان می‌گویند این شکاف آماری، زمینه‌ساز اختلافات جدی میان طرفداران و مخالفان ویزای B-H۱ شده است. براساس آمار اداره مهاجرت و نیروی کار آمریکا، بیش از ۶۰ درصد ویزاهای B-H۱ در دو دهه اخیر به شرکت‌های فناوری تعلق گرفته است؛ شرکت‌هایی که بخش عمده‌ای از توسعه و نوآوری در آمریکا را هدایت می‌کنند. در مقابل، اتحادیه‌های کارگری و برخی گروه‌های سیاسی بر این باورند که ادامه این روند می‌تواند در بلندمدت منافع نیروی کار داخلی را به حاشیه براند.

موافقان و مخالفان طرح جدید ترامپ چه می‌گویند؟

تصمیم رئیس‌جمهور آمریکا، برای محدودسازی ویزای B-H۱ با واکنش‌های متفاوتی از سوی منتقدان و حامیان طرح روبه‌رو شده است. برخی مشاوران

ترامپ می‌خواهد از متقاضیان مهاجرت کاری ۱۰۰ هزار دلار در سال بگیرد، متوسط حقوق در آمریکا سالی ۶۵ هزار دلار است

مهاجرت به آمریکا دیگر نمی‌صرفد

هزینهٔ ویزای کار؛

۲ برابر حقوق یک سالهٔ کارمندان آمریکایی

یکی از مهم‌ترین ابعاد تصمیم ترامپ، افزایش هزینه ویزای B-H۱ برای متقاضیان جدید به مبلغ ۱۰۰ هزار دلار است که مهاجران باید یک بار آن را پرداخت کنند تا اجازه کار داشته باشند. اگر بخواهیم این ۱۰۰ هزار دلار هزینه مهاجرت کاری را با میانگین حقوق سالانه در ایالات متحده مقایسه کنیم، طبق گزارش اداره آمار کار آمریکا در سال ۲۰۲۴، میانگین حقوق سالانه یک آمریکایی ۶۵ هزار و ۵۰۰ دلار است. این یعنی مبلغ ۱۰۰ هزار دلار ویزای کار تقریباً ۱٫۵ برابر میانگین در آمد سالانه است و برای بسیاری از مهاجران تازه‌وارد و شرکت‌های کوچک یا متوسط، پرداخت آن به‌طور مستقل غیرممکن به نظر می‌رسد. این هزینه نزدیک به دو برابری نه‌تنها یک فشار مالی بر کارفرما ایجاد می‌کند، بلکه مهاجران را نیز در یک دوراهی اقتصادی و حرفه‌ای قرار می‌دهد که آیا باید با وجود این هزینه سنگین وارد آمریکا شوند یا از فرصت شغلی صرف‌نظر کنند؟ بسیاری از تحلیلگران معتقدند این سیاست عمداً یک فیلتر اقتصادی ایجاد کرده و تنها متخصصان با مهارت بالا و حمایت شرکت‌های بزرگ قادر خواهند بود از آن عبور کنند. درنهایت، در عمل شرکت‌های مالی و فناوری پا باید هزینه اضافی را بپذیرند و استخدام نیروهای متخصص خارجی را ادامه دهند یا به دنبال جایگزینی نیروی کار داخلی باشند که ممکن است مهارت و تجربه کافی نداشته باشد و بهره‌وری را کاهش دهد.

افت سهام شرکت‌های فناوری

پس از محدودیت‌های ویزای کار

محدودیت‌های مهاجرتی جدید ترامپ اثراتش بر شرکت‌های فناوری را برانگیخته است؛ حتی همان شرکت‌هایی که در انتخابات ریاست‌جمهوری میلیون‌ها دلار به کمپین ترامپ کمک کرده بودند. مایکروسافت و جی‌پی مورگان به کارکنان خود که ویزای B-H۱ دارند هشدار داده‌اند از سفر بین‌المللی خودداری کنند یا هر چه سریع‌تر به آمریکا بازگردند، زیرا ساختار جدید هزینه‌ها از هفته جاری اجرایی می‌شود. برخی تحلیلگران هشدار داده‌اند این اقدام می‌تواند شرکت‌ها را وادار به انتقال بخش‌هایی از فعالیت‌های ارزشمند به خارج کند و موقعیت آمریکادر رقابت حیاتی با چین در حوزه هوش مصنوعی تضعیف کند. جرمی آلدمن، تحلیلگر شرکت eMarketer، گفت: «در کوتاه‌مدت، واکنشکن ممکن است در آمد زیادی کسب کند؛ اما در بلندمدت، ایالات متحده با این سیاست حمایت‌گرایانه، برتری نوآورانه خود را از دست خواهد داد.» از جمله واکنش‌های منفی شرکت‌های فناوری می‌توان به افت ارزش سهام آن‌ها اشاره کرد، زیرا شرکت‌هایی که وابستگی زیادی به نیروی کار خارجی دارند، طبیعتاً این تصمیم متأثر می‌شوند. بر اساس گزارش‌ها، سهام شرکت خدمات فناوری «گکتیزات» نزدیک به ۵ درصد کاهش یافت و سهام شرکت‌های هندی «اینسوسیس» و «ویرو» بین ۱۰ تا ۵ درصد افت کرد. در مقابل، استارت‌آپ‌های هوش مصنوعی مانند Anthropic و OpenAI، بسته‌های حقوقی بیش از ۳۰۰ هزار دلار ارائه داده‌اند، اما شرکت‌های کوچک و متوسط توان پرداخت این هزینه را ندارند و در نتیجه صدور ویزا برای آن‌ها محدود خواهد شد.

کدام گروه‌های شغلی بیشترین آسیب را خواهند دید؟

بر اساس داده‌های خدمات شهروندی و مهاجرت ایالات متحده (USCIS)، بیشترین درخواست‌های تأیید شده ویزای B-H۱ در سال مالی ۲۰۲۴ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۴) به حوزه فناوری اطلاعات اختصاص داشته است و سهمی حدود ۶۴ درصد دارد. پس از آن، گروه‌های معمری، مهندسی و نقشه‌برداری با سهم ۱۰ درصد و مشاغل آموزشی با سهم ۶ درصد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. بزرگ‌ترین بخش صنعتی برای ویزاهای B-H۱ که تأیید شده‌اند، برنامه‌نویسی رایانهای با سهم ۲۵ درصد است. در بخش صنایع نیز خدمات فنی و علمی بیشترین سهم را در میان کارفرمایانی که تقاضای ویزا داشته‌اند، با ۴۸ درصد دارا هستند، در حالی که صنعت تولید با ۱۱ درصد در رتبه دوم قرار دارد.

از درآمد نفت را هم به شما بدهند؛ برای اینکه می‌گویید نفت مال ماست، مال خوزستان است. اگر این را من قبول کنم فردا آذربایجانی‌ها می‌آیند می‌گویند شما مدیون ما هستید، اگر ما نپذیریم شما مشروطه نمی‌داشتید. یک برنامه هم آن‌ها می‌آورند و می‌گویند فلان درصد از درآمد نفت را هم به ما بدهید. خراسانی‌ها می‌آیند. آن‌ها هم هزار و یک دلیل می‌آورند که خراسان چهقدر اهمیت دارد. کرمان همین‌طور. گیلان می‌گوید ما هم در جنگ مشروطیت پیش قراول بودیم. آقا درست این مخالف آن فلسفه‌ای است که من دارم. من غیرممکن است با این موافقت کنم.» رجال سیاسی خوزستان، از واکنش ابتهاج ناراحت شدند و گفتند ما خودمسان این طرح‌ها را به مجلس می‌بریم و تصویب می‌کنیم. ابتهاج نیز برای جلوگیری از این اقدام، توضیح داد ذیل برنامه متمرکزى که برای کشور تهیه خواهد کرد، برای خوزستان ایده‌هایی دارد که اگر اجرا بشود خوزستان یکی از برجسته‌ترین برنامه‌های سازمان برنامه خواهد بود. عباسقلی عرب‌شیبانی که از بانک ره‌نی با ابتهاج آشنا و دوست بود نیز بعداً نماینده فسا در مجلس شد. ابتهاج تعریف می‌کند (تاریخ شفاهی هاواراد، نوار ۲۲) روزی او پیشش آمد و تقاضای تصویب پروژه و دریافت بودجه برای حوزه انتخاباتی‌اش داشت که با مخالفت ابتهاج مواجه شد، رفت و مدت‌ها با ابتهاج قهر بود!

تفویض اختیارات به استانداران

ایده خودمختاری استان‌ها در برنامه‌ریزی توسعه و نزاع بر سر «برنامه‌ریزی متمرکز» فقط به نقطه شروع برنامه‌ریزی توسعه در ایران متوقف نماند و در دهه‌های پس از آن نیز بارها تکرار شد. به‌طور مثال محسن رضایی در سال ۱۳۹۱ و در زمانی که دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بود، کتابی با عنوان «فدرالیسم اقتصادی» منتشر کرد و در آن نوعی فدرالیسم اقتصادی مدیریت‌شده دفاع کرد. ایده اصلی نویسنده در کتاب «فدرالیسم اقتصادی» غیر متمرکزسازی اقتصاد و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. او معتقد است نظام اقتصادی ایران باید از وضعیت متمرکز فعلی خود خارج شود و بیشتر به سمت فدرالیسم اقتصادی حرکت کند؛ یعنی قدرت تصمیم‌گیری و اختیارات اقتصادی در سطح

نزدیک ترامپ مدت‌هاست که این برنامه را مورد انتقاد داده‌اند و معتقدند شرکت‌های آمریکایی، به جای استخدام نیروی داخلی، کارگران خارجی را ترجیح می‌دهند. با این حال، زمانی ترامپ در کنار ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا، از ویزای B-H۱ دفاع کرده بود. ماسک بارها تأکید کرده که این برنامه ابزاری حیاتی برای جذب نیروی متخصص خارجی در حوزه فناوری است، حتی اگر برخی از حامیان ترامپ با آن مخالف باشند. مقامات دولت ترامپ می‌گویند که این ویزا به شرکت‌ها امکان می‌دهد دستمزدها را پایین نگه دارند و محدودسازی آن می‌تواند فرصت‌های شغلی بیشتری برای نیروهای آمریکایی فراهم کند. در مقابل، حامیان ویزای B-H۱ می‌گویند این برنامه نیروی کار بسیار ماهر را به آمریکا می‌آورد و برای پر کردن شکاف‌های استعداد و حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها ضروری است.

برخی کارشناسان، هشدار داده‌اند که این تصمیم می‌تواند جذابیت آمریکا را برای نخبگان جهانی کاهش دهد. اما واکنش‌ها در میان مهاجران نیز شدید بود؛ یک کاربر در پلتفرم Rednote زندگی خود را پس از این تصمیم به «برده» B-H۱ تشبیه کرد. بر اساس مصوبه جدید، شرکت‌ها برای هر درخواست جدید ویزای B-H۱ باید یک بار مبلغ ۱۰۰ هزار دلار پرداخت کنند. این ویزا به کارفرمایان آمریکایی اجازه می‌دهد تا نیروی کار متخصص خارجی در رشته‌های فناوری، مهندسی، مالی و بهداشت را استخدام کنند. کارشناسان معتقدند بیشترین اثر این تصمیم بر مهاجران تازه‌وارد و شرکت‌های کوچک و متوسط فناوری خواهد بود، زیرا این شرکت‌ها باید هزینه ۱۰۰ هزار دلاری را بپردازند و در صورت عدم توانایی مالی، ورود به آمریکا برای آن‌ها ممکن نخواهد بود. این سیاست عملاً یک فیلتر اقتصادی ایجاد می‌کند؛ تنها شرکت‌های بزرگ و با منابع مالی کافی قادر خواهند بود استعدادهای خارجی را جذب کنند، در حالی که استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های کوچک‌تر با محدودیت مواجه خواهند شد. این تصمیم برای محدودسازی ویزای B-H۱ باعث ایجاد سردرگمی و اضطراب شدید میان مهاجران شد. مهاجران از کشورهایی مانند هند و چین که در سفر بودند یا برنامه‌ریزی برای ورود به آمریکا داشتند، مجبور شدند مسفرهای خود را متوقف کرده و به‌سرعت بازگردند. رویترز می‌گوید، شرکت‌های بزرگ فناوری و مالی از جمله Microsoft، Alphabet و Goldman Sachs بلافاصله اقدام به ارسال ایمیل‌های فوری و یادداشت‌های داخلی برای کارکنان کردند و توصیه کردند تا قبل از تاریخ اعمال قانون بازگشت خود به آمریکا را انجام دهند. این واکنش‌ها نشان‌دهنده اهمیت حیاتی نیروی کار B-H۱ برای صنایع فناوری و مالی آمریکا و همچنین میزان وابستگی اقتصاد این کشور به مهاجران متخصص است. کارشناسان هشدار داده‌اند که محدودسازی این ویزا می‌تواند فرایند نوآوری و توسعه در شرکت‌ها و استارت‌آپ‌های آمریکایی را مختل کند.

هند و چین: بازندهٔ چالش ۱۰۰ هزار دلاری ویزای کار

طبق آمار رسمی، هند با ۷۱ درصد بزرگ‌ترین ذینفع ویزای B-H۱ در سال B-۲۰۲۴ بود و پس از آن چین با ۱۱٫۷ درصد در جایگاه دوم انگلستان در جایگاه سوم قرار دارند. این تصمیم باعث نگرانی بسیاری از مهاجران شده است. بر اساس داده‌های USCIS، سالانه حدود ۸۵ هزار ویزای B-H۱ صادر می‌شود که شامل ۶۵ هزار ویزای عمومی و ۲۰ هزار ویزای ویژه فراخ‌التحصیلان ارشد است. هند به‌عنوان بزرگ‌ترین دریافت‌کننده ویزای B-H۱، بیشترین آسیب را از این تصمیم خواهد دید. چینی‌ها نیز در سال ۲۰۲۴ حدود ۴۶ هزار و ۶۸۰ ویزای آمریکایی و فیلیپینی ۵/۵ هزار ویزای آمریکایی دریافت کرده‌اند. طی ۲۸ سال گذشته، هندى‌ها ۶۰ درصد از کل ویزاهای B-H۱ صادر شده را دریافت کرده‌اند. این سهم تقریباً سه برابر مجموع سهم ۹ کشور دیگر در ۱۰ کشور برتر است. طبق داده‌های USCIS برای سال ۲۰۲۵، میانگین حقوق برای استخدام اولیه B-H۱ برابر ۹۷ هزار دلار و برای ویزاهای مداوم حدود ۱۲۰ هزار دلار است. بنابراین هزینه ۱۰۰ هزار دلاری برای یک کارمند جدید تقریباً برابر با کل حقوق سالانه اوست. این موضوع می‌تواند مانع صدور درخواست‌های جدید شود و برنامه را عملاً محدود کند.

حذف ابتهاج و ترور رزم‌آرا

این گفت‌وگو میان ابتهاج و رزم‌آرا در ابتدای دوره نخست‌وزیری رزم‌آرا انجام شد؛ درحالی‌که ابتهاج مدیرعامل بانک ملی (معادل رئیس کل بانک مرکزی امروز) بود. ابتهاج می‌گوید پس از انتقاد از سیاست رزم‌آرا، او قول داد که بدون مشورت با من کاری نکنم. البته چند ماه بعد –پس از تصدی نخست‌وزیری– رزم‌آرا از ابتهاج را از مدیریت بانک ملی کنار گذاشت و اسفندماه همان سال نیز با ترو، دوره نخست‌وزیری‌اش خاتمه یافت. رزم‌آرا از همان ابتدا در مجلس شـورای ملی «بهبود در وضع اقتصادی کشور و اجرای برنامه هفت‌ساله با کمک سازمان‌های محلی و تهیه کار برای بیکاران و عمران و آبادی متناسب موقعیت هر محل و سعی در تعدیل بودجه کشور و تقلیل هزینه عمومی» را از برنامه‌های دولتش عنوان کرده بود.

برنامهٔ کلی، هم نواخت و موزون

ابتهاج در مصاحبه تاریخ شفاهی هاواراد (نوار ۲۳) ایده‌اش در مورد برنامه‌ریزی را نوعی برنامه‌ریزی متمرکز مستخرج از برنامه‌های توسعه منطقه‌ای (regional planning) معرفی می‌کند. به این صورت که ابتدا برای هر بخش از ایران (مثلاً خوزستان، آذربایجان، کرمان، خراسان و…) برنامه توسعه منطقه‌ای تهیه شود. سپس در تلفیق این برنامه‌های منطقه‌ای با هم یک برنامه «کلی»، «هم‌نواخت» و «موزون» برای مملکت تهیه شود. آن روز‌ها این ایده، مخالفانی نیز داشت. به‌طور مثال ابتهاج در همین بخش از خاطراتش تعریف می‌کند وقتی در گیر و دار تهیه برنامه دوم عمرانی بودند، سپهد کمال (استاندار وقت خوزستان) با تعدادی از وکلا و سناتورهای این استان (از جمله میرزا ابوالقاسم نجم و نظام‌السلطنه مافی) سراغ ابتهاج آمدند، طرح‌هایی را برای خوزستان ارائه کردند و درخواست کردند ۱۰ درصد پول نفت خوزستان به آن‌ها داده شود تا طرح‌های مدنظرشان را اجرا کنند.

ابتهاج با ایده رجال سیاسی خوزستان مخالفت کرد و گفت: «شما درست عکس آن کاری را می‌خواهید بکنید که من با آن نیت به سـازمان برنامه آمدم. من با این نیت آمده‌ام که یک برنامه جامع برای تمام مملکت داشته باشیم، شما یک برنامه می‌دهید فقط برای خوزستان و می‌خواهید فلان قدر

منازعات توسعه در ایران (۲)

یک برنامه توسعه برای تمام مملکت



در مورد اصل برنامه‌ریزی توسعه در ایران یک اختلاف دیدگاه جدی و قدیمی وجود دارد؛ اینکه آیا اساساً ما به برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز داریم یا چنین چیزی بیه کار نمی‌آید. با فرض پذیرش ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت توسعه نیز دست‌کم می‌توان سه نزاع مشخص در مورد ماهیت آن در تاریخ برنامه‌ریزی در ایران یافت: یک) نزاع بر سر برنامه‌ریزی جامع، دو) اختلاف دیدگاه در مورد برنامه‌ریزی متمرکز و (سه) تفاوت باورها در مورد مجری برنامه (وظایف و اختیارات آژانس متولی برنامه توسعه) اگر سـسازمان برنامه بودجه را در ایران همان آژانس متولی توسعه بدانیم در مورد اینکه آیا خودش باید تصدی‌گری کند یا نه و اینکه آیا خودش باید در نقش کارفرما ظاهر شود یا این وظیفه را به وزارتخانه‌ها بسپارد، اختلاف‌نظر تاریخی بوده است. این یادداشت، به‌طور مشخص به تفاوت دیدگاه‌ها در مورد «برنامه‌ریزی متمرکز» پرداخته است.

انجمن‌های ایالتی و ولایتی

حاجعلی رزم‌آرا (نخست‌وزیر در سال ۱۳۲۹ خورشیدی) به‌دنبال تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. او این موضوع را با ابوالحسن ابتهاج مطرح کرد و با انتقاد جدی وی مواجه شد. ابوالحسن ابتهاج در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی هاواراد (نوار ۲۳) در مورد اختلاف نظر خودش و رزم‌آرا در این خصوص می‌گوید: «رزم‌آرا گفت در نظر دارم انجمن‌های محلی ایجاد کنم و پولی هم در اختیارشان قرار گیرد تا در هر محلی حق داشته باشند خودشان برای کارهای زیربنایی اقتصادی تصمیم بگیرند و اقدام کنند. ابتهاج در برابر این ایده موضع می‌گیرد و آن را خلاف تلاش‌های چندین‌ساله خود در راستای تحقق برنامه‌ریزی متمرکز می‌خواند. او برای رزم‌آرا استدلال می‌کند که باید دید مملکت به چه چیز احتیاج دارد، اولویت‌بندی کرده و در نهایت با توجه به محدودیت منابع، پروژه‌های عمرانی هماهنگ را در سراسر کشور اجرا کرد. درحالی‌که بر اساس ایده رزم‌آرا، هر ایالتی بدون توجه به بقیه و نیازهای ملی، دست به اقداماتی خواهد زد و اوضاع درهم و پیرهم خواهد شد.

استارت‌آپ‌ها در خط مقدم محدودیت مهاجرتی ترامپ

آمازون بزرگ‌ترین شرکتی است که بیشترین نیروی خارجی را برای ثبت درخواست B-H۱ دارد. این شرکت در سال مالی ۲۰۲۴ بیش از ۹ هزار ویزا دریافت کرده است. دیگر غول‌های فناوری نیز به شدت به این برنامه وابسته‌اند؛ گوگل با ۵۳۶۴ ویزا، متا با ۴۸۴، مایکروسافت با ۴۷۲۵ و اپل با ۳۸۷۳ ویزای تأیید شده، از جمله شرکت‌های پیشرو هستند که ممکن است تحت تأثیر این تغییرات قرار بگیرند. براساس داده‌های جهانی، هند در سال گذشته بزرگ‌ترین ذی‌نفع ویزاهای B-H۱ بوده و ۷۱ درصد از کل ویزاهای صادرشده به شهروندان این کشور تعلق داشته است. چین با ۱۱٫۷ درصد در رتبه دوم قرار دارد. در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، شرکت آمازون بیش از ۱۲ هزار ویزای B-H۱ دریافت کرد، در حالی که مایکروسافت و متا هرکدام بیش از ۵ هزار ویزا کسب کردند. بزرگ‌ترین شرکت‌های برن‌سپاری هندی، مانند اینفوسیس با ۸٬۱۳۷ ویزا و TCS با ۵٬۲۷۲ ویزا، بیشترین دریافت‌کنندگان B-H۱ در سال ۲۰۲۴ بوده‌اند. میانگین حقوق این شرکت‌ها بین ۸۹ هزار تا ۱۱۳ هزار دلار متغیر است. حتی برای این شرکت‌ها، پرداخت ۱۰۰ هزار دلار هزینه ویزا فشار مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند.

آیا قانون جدید باعث رقابت شـغلی در آمریکا خواهد شد؟

با توجه به هزینه سنگین ۱۰۰ هزار دلاری ویزای B-H۱، کسب‌وکارهای کوچک و استارت‌آپ‌ها نسبت به غول‌هایی مانند آمازون، متا، اپل و آلفابت، شرکت مادر گوگل، احتمالاً توانایی پرداخت این مبلغ را ندارند. تا به امروز، این چهار شرکت به‌طور مشترک حدود ۱۱٫۱ تریلیون دلار سرمایه دارند و به راحتی می‌توانند هزینه‌های جدید را پوشش دهند. این هزینه بالا می‌تواند به این معنا باشد که کارگران متولد خارج از کشور از موقعیت‌های شغلی سطح پایین محروم شوند، زیرا پرداخت ۱۰۰ هزار دلار برای یک کارگر با دستمزده پایین، فشار مالی زیادی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، بسیاری از آمریکایی‌ها معتقدند وضعیت کاری در کشور پس از شیوع کرونا بدترین شرایط را تجربه کرده است. اگر این روند ادامه یابد ممکن است فرصت‌های شغلی جدید برای نیروهای داخلی ایجاد شود. این تغییر به ویژه برای فراخ‌التحصیلان رشته‌های علوم کامپیوتر که در بحبوحه اخراج‌های پی‌درپی و کاهش فرصت‌های شغلی وارد بازار می‌شوند، می‌تواند فرصت مناسبی برای ورود به بازار کار آمریکا باشد.

هند	۲۸۳٬۳۹۷
چین	۴۶٬۶۸۰
فیلیپین	۵٬۲۴۸
کانادا	۴٬۲۲۲
کره جنوبی	۳٬۹۸۳
مکزیک	۳٬۳۳۳
تایوان	۳٬۰۹۹
پاکستان	۳٬۰۵۲
برزیل	۲٬۶۳۸
نیجریه	۲٬۲۷۳

استان‌ها و مناطق توزیع شود.

مسئله تمرکززدایی از برنامه‌ریزی توسعه با پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم نیز پررنگ‌تر شد. پزشکیان از همان ابتدای ریاست‌جمهوری خود، تفویض اختیارات به استانداران و تمرکززدایی را به عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست‌های دولت خود مطرح کرد. او در تیرماه ۱۴۰۴ در جلسه شورای اداری استان گیلان اعلام کرد که تمام اختیارات را به استانداران تفویض کردیم و استانداران را نماینده رئیس‌جمهور در استان‌ها نامید. رئیس‌جمهور همچنین مردادماه ۱۴۰۴ را جمع فعالان صنعتی زنجان در این خصوص گفت: «به ما نگویید آب نداریم، آب در اختیار خود را مدیریت کنید؛ اگر راه ندارید آن را بسازاید، در واقع موضوعی مطرح شده که دخل و خرج هر استان را به خود استان واگذار کنند تا کارایی و اثر بخشی را افزایش داد… سهم و سرانه هر استان از بودجه کشور مشخص می‌شود و برخی موارد نیز در بودجه‌های دولت مورد بررسی قرار می‌گیرد و بقیه امور باید با کار تیمی و بهره‌وری در هر استان پیگیری شود.»

جمع‌بندی

نتیجه آنکه مسئله «برنامه‌ریزی متمرکز» از آغاز جدی‌شدن برنامه‌ریزی توسعه در ایران پررنگ بود. ابوالحسن ابتهاج در دوره ریاستش بر بانک ملی ایران (بانک مرکزی وقت) با حاجعلی رزم‌آرا (نخست‌وزیر) در این خصوص اختلاف‌نظر داشت و به‌نظر می‌رسد همین مسئله منجر به عزلش از بانک ملی شد. او همچنین در دوره ریاستش بر سازمان برنامه نیز وقتی می‌خواست ایده «برنامه‌ریزی متمرکز» را پیش ببرد، با استانداران، وکلا و سناتور‌ها به اختلاف‌نظر می‌خورد. این مسئله تا همین امروز محل اختلاف سیاست‌گذاران توسعه است و طرفین ادله خود را در دفاع از دیدگاهشان اقامه می‌کنند. مشخصاً رئیس‌جمهور پزشکیان معتقد است واگذاری دخل وخرج به استان‌ها، کارایی را افزایش خواهد داد. به باور منتقدان اما این دیدگاه، از یک‌سو فساد و سوءاستفاده‌ها را زیاد می‌کند و از دیگر سو، به‌دلیل محدودیت منابع امکان اجرای یک برنامه توسعه صنعتی مسئله‌محور را از دولت سلب می‌کند.